

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره مبارکه زلزال

استاد ضرابی دی ماه ۱۳۹۹

جلسه اول/۱۶/۱۰/۹۹

آیه شریفه : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» - به نام خداوند رحمتگر مهربان»

عنوان : با یقین بگوئیم « بسم الله الرحمن الرحيم»

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ قَرَأَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مُوقِنًا سَبَّحَتْ مَعَهُ الْجِبَالُ إِلَّا أَنْتَهُ لَا يَسْمَعُ ذَلِكَ مِنْهَا - هر کس با یقین بسم الله الرحمن الرحيم را قرائت کند، کوه ها به همراه او تسبیح می گویند، هر چند او تسبیح آنها را نمی شنود.» (الدرالمنثور، ج ۱، ص ۲۶)

به نام خداوند دل های پاک

که نامش بود در دلت تابناک

به نام کسی که تو را آفرید

سراغاز عشق است و نور و امید

برای توجه شایسته به کلمه طیبه « بسم الله الرحمن الرحيم» باید بدانیم به دنبال چه چیزی هستیم یا باید به دنبال چه باشیم و کلمه طیبه « بَسْمَلَةٌ » این بار چه جلوه و رویکرد جدیدی خواهد داشت، نگاهی اجمالی به محتویات این سوره می افکنیم .

عنوان : محور سخن را چگونه بشناسیم؟

و برای اینکه خبری از موضوع محوری این سوره بگیریم به سراغ اولین و آخرین آیه سوره مبارکه می رویم که معتقدیم همه محتوای سوره را در خود دارند.

کلمه اول «اِذَا» است؛ اگر که مسأله یاد و توجه به زمان مطرح می‌شود چه زمانی سزاوارتر است به یاد آوری و توجه؟

« إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا » زمانی که فرصت تمام می‌شود. فرصت چه چیز تمام می‌شود؟ « وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ » فرصت آماده شدن برای مواجهه هر کسی با شروری که از او سرزده است ولو اینکه به اندازه ذره‌ای باشد .

این بهار نو ز بعد برگریز هست برهان بر وجود رستخیز

در بهاران سرّها پیدا شود هر چه خورده است این زمین رسوا شود

### عنوان : ناکرده گنه در این جهان کیست بگو!!!

با این نظام دقیق و حکیمانه عالم و محیط زندگی انسان، چه کسی است که بتواند ادعا کند خرابکاری نکرده و ظلم و ستمی از او سر نزده است؟ حتما تا هر انسانی سر عقل بیاید و دوران کودکی و نوجوانی و جوانی را که دوران ناآگاهی و جهالت اوست سپری کند و به قوت عقلانی لازم برسد و بفهمد که همه چیز در زندگانی انسان تابع حکمت، قوانین و نظم دقیقی است که اگر آنها را نشناسد و رعایت نکند، برای خود و دیگران دردسر درست خواهد کرد که البته باید پاسخگوی آن باشد؛

آمد خبر که من خبری دست و پا کنم برقلب مرده ام شرری دست و پا کنم

اگر از آن مقداری که عمدی در کار نبوده و ناآگاهانه بوده، صرف نظر کنیم، به آن بخش‌هایی می‌رسیم که انسان، آگاه به بسیاری از بایدها و نبایدها می‌شود؛ اما عمل کردن به آنها مستلزم تحمل سختی‌ها و ترک بسیاری از لذت‌های ناروا و غیر مشروع است. کوتاهی‌های در این بخش از زندگی خود را چه باید بکند؟ وزر و وبال‌هایی که برای خود ایجاد کرده است؟

ظلم‌ها و ستم‌هایی که از ناحیه او به دیگران شده ؟ چه پاسخی می‌تواند داشته باشد جز اینکه خود را آماده مجازات و پرداخت غرامت خساراتی کند که متوجه خود و دیگران کرده است؟ یا توبه کند، پشیمان شود و برگردد و جبران کند؟ اگر

بخواهد برگردد، می‌تواند؟ چگونه می‌شود عمر بر باد رفته را جبران کند؟ ای کاش فقط بر باد رفته بود، عذابی که طاقتش را ندارد چه کند؟ آیا خدا و اولیای او کمک خواهند کرد؟ دست او را خواهند گرفت یا به خاطر همین گناهان به او هیچ توجهی نمی‌کنند؟ پس گنهکاران چه کنند؟

ناکرده گنه در این جهان کیست بگو!      آن کس که گنه نکرد چون زیست بگو!

من بد کنم و تو بد مکافات دهی      پس فرق میان من و تو چیست بگو!

فرق بنده با خدایش این است که او ارحم الراحمین است و برای بازگشت بندگانش هرچه لازم بوده انجام داده است و آخرین دوایش داغ کردن است. « وَإِذَا لَمْ أَجِدْ بُدًّا فَأَخِرُ الدَّوَاءِ الْكَيُّ - تا می‌شود با تسامح، با سماح، آخرین مرهمش داغ نهادن است. » (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۸)

مولایمان امیرالمؤمنین در دعای صباح به ما آموخته است که این‌گونه تکرار کنیم تا به راستی سخن قلبمان شود: « يَا خَيْرَ مَنْ دُعِيَ لِكَشْفِ الضَّرِّ وَالْمَأْمُولِ لِكُلِّ عُسْرٍ وَ يُسِّرُ بِكَ أَنْزَلْتُ حَاجَتِي فَلَا تَرُدَّنِي مِنْ سَنِيِّ مَوَاهِبِكَ خَائِبًا يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ - ای بهترین کسی که خوانده شده ای برای برطرف ساختن گرفتاری و آرزو شده ای برای هر سختی و آسانی فرود آوردم بار حاجتم را به درگاہت پس مرا از عطایای عالی (و سنگین قیمت) خود ناامید باز مگردان ای کریم ای کریم ای کریم به رحمت خود ای مهربانترین مهربانان و درود خدا بر بهترین آفریدگانش محمد و آل محمد»

سر به سجده می‌گذاریم و می‌گوئیم: «الهي قَلْبِي مَحْجُوبٌ وَ نَفْسِي مَعْيُوبٌ وَ عَقْلِي مَغْلُوبٌ وَ هَوَائِي غَالِبٌ وَ طَاعَتِي قَلِيلٌ وَ مَعْصِيَتِي كَثِيرٌ وَ لِسَانِي مُقَرَّبٌ بِالذُّنُوبِ فَكَيْفَ حَيْلَتِي يَا سَتَّارَ الْعُيُوبِ وَ يَا عَلَّامَ الْغُيُوبِ وَ يَا كَاشِفَ الْكُرُوبِ إِغْفِرْ ذُنُوبِي كُلَّهَا بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ يَا غَفَّارُ يَا غَفَّارُ يَا غَفَّارُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ - خدایا دلم در پرده است و نفسم معیوب و عقلم مغلوب است و هوای نفس بر من چیره است و طاعتم اندک و گناهانم بسیار است و زبانم به گناهان اقرار دارد پس

چاره ام چیست ای پرده پوش عیبها و ای دانای نادیدنیها و ای برطرف کننده اندوهها بیامرز همه گناهانم را به حرمت محمد و آل محمد ای آمرزش پیشه، ای بسیار آمرزنده، ای بسیار آمرزنده به رحمتت ای مهربانترین مهربانان. « ( مفاتیح/ دعای صباح، بحار الانوار ج ۸۴ ص ۳۴۰)

لنگر حلم تو ای کشتی توفیق کجاست که در این بحر کرم غرق گناه آمده ایم

آبرو می رود ای ابر خطاپوش ببار که به دیوان عمل نامه سیاه آمده ایم

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «أُمَّتِي يَأْتُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هُمْ يَقُولُونَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَنَنْقُلُ حَسَنَاتِهِمْ فِي الْمِيزَانِ فَيُقَالُ: أَلَا مَا أُرَاجِحَ مَوَازِينَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ: فَنَقُولُ الْأَنْبِيَاءُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِنَّ ِابْتِدَاءَ كَلَامِهِمْ ثَلَاثَةٌ أَسْمَاءٍ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ لَوْ وَضِعَتْ فِي كِفَّةِ الْمِيزَانِ وَ وَضِعَتْ سَيِّئَاتُ الْخَلْقِ فِي كِفَّةٍ أُخْرَى لَرَجَحَتْ حَسَنَاتُهُمْ - امت من در روز قیامت می آیند در حالی که بسم الله الرحمن الرحيم می گویند. آنگاه اعمال نیک آنها در ترازوی اعمال، سنگین می شود. گفته می شود: چه چیزی باعث شده که ترازوی اعمال امت محمد (ص) سنگین شود. پیامبران جواب می دهند: چون سخن ایشان به سه نام از نام های پروردگار شروع می شود که اگر در يك کفه ترازو قرار گیرد و گناهان مردم در کفه دیگر گزارده شود، حسنات آنها برتری می یابد. «(تنبيه الخواطر و نزهة النواظر، ج ۱، ص ۳۲)

اکنون انشاء الله فهمیده ایم وقتی در پیشگاه عظمت نامنتهایش می ایستیم از رحمت و اسعه خدای مهربان در هنگام گفتن کلمه طیبه « بَسْمَلَةٌ »، چه بخواهیم. امام علی علیه السلام فرمود: « بِسْمِ اللَّهِ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ عَوْنٌ لِكُلِّ دَوَاءٍ - بسم الله ، شفای هر دردی و یاری کننده هر دارویی است. « (نزهة الناظر و تنبيه خاطر، ص ۴۲)

به نام خداوند لوح و قلم حقیقت نگار وجود و عدم

خدایی که داننده رازهاست نخستین سرآغاز آغازهاست